**حدیث اشک:** (پرده پنجم)

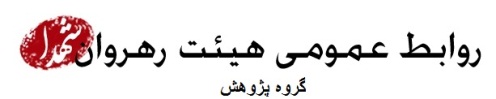
**حرف اول (حوادث امروز در کربلا):** امروز شش محرم سال 61 هجری، عبیداللّه‏ بن زیاد نامه‏ای برای عمر بن سعد فرستاد كه: من از نظر نیروی نظامی اعم از سواره و پیاده تو را تجهیز كرده‏ام. توجه داشته باش كه هر روز و هر شب گزارش كار تو را برای من مي‏فرستند. در این روز "حبیب بن مظاهر اسدی" تلاش فراوانی کرد تا از عشیره اش بنی اسد، افرادی را به کربلا بیاورد، 90 جنگجو هم آماده کرد ولی در آخرین لحظات عمرسعد دریافت و با فرستادن سپاهی مانع این پیوستن شد. حبیب بن مظاهر به خدمت امام علیه‏السلام آمد و جریان را بازگو كرد. امام علیه‏السلام فرمودند: "لاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّه‏ِ"

***تاثیر شگرف مال حرام بر منتظران ظهور امام حسین(سلام الله علیه)***

همیشه با خودم فکر میکردم سپاه امام حسین(ع) مملو از زهاد و عباد بوده و در آن سوی افرادی بودند که سراسر غرق عیش و نوش و از الفبای دین بی خبر.در حالی که اصلا به اینگونه نبوده است، شمر بن ذی الجوشن در کوفه کلاس تفسیر قرآن داشته، شبث بن ربعی از علمای به نام کوفه بوده و الی آخر. پس سوال پیش می آید چه شد که این افرادی که اتفاقا هم نماز می خواندند و هم روزه می گرفتند سخن امام منتظرشان را نشنیدند، و حتی هلهله هم می کردند، در مقاتل آمده است هرچقدر حضرت میخواستند صحبت کنند، های و هوی می کردند و هلهله. تا جایی که مولا غریبانه می‌فرماید: « وَیلَکُم مَا عَلَیکُم أن تَنصِتُوا إلَیَّ فَتَسمَعُوا قَولِی» وای بر شما! چرا ساکت نمی‏شوید که حرف‏های مرا گوش کنید؟! و بعد سخن بسیار کلیدی را می فرمایند: آرى در اثر هداياى **حرام** که به دست شما رسيده و در اثر **غذاهاى حرام که شکمهاى شما از آنها انباشته شده**،خداوند اين چنين بر دلهاى شما مهر زده است واى بر شما! چرا ساکت نمى شويد؟! چرا به سخنانم گوش فرا نمى دهيد؟؟!!!

آری، قطعاً در نظام جهان هستی، هر کاری اثری بر جای می‌گذارد؛ هر چند در مواردی این تاثیر دیدنی نباشد. یکی از این موارد،‌ تأثیر لقمه حرام بر وجود انسان است. از دید ظاهری فرقی بین غذای حلال و حرام نیست، ولی لقمه حرام تأثیری بر جان آدمی دارد که می تواند سرنوشت او را تغییر دهد. بنا بر اصل علیت غذای حرام بر روح و روان انسان بسیار تأثیر گذار است و این تأثیر بر روان فرزند نیز به هیچ وجه قابل انکار نیست.شدت این حرام خواری تا بدان جاست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: إِذَا وَقَعَتِ اللُّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِی جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِی السَّمَاوَاتِ وَ فِی الْأَرْضِ؛ هرگاه لقمه ای حرام در شکم بنده ای از بندگان خدا قرار گیرد تمام فرشتگان زمین و آسمان او را **لعنت** می‌کنند. و یا در جای دیگر فرمودند: کسی که کسبش حرام است،خداوند هیچ كار خیرى را از او نمى‏پذیرد، چه آن کار صدقه باشد چه آزاد كردن بنده؛حج باشد یا عمره و خداوند متعال به عوض پاداش این كارها، گناه براى او ثبت مى‏کند و آنچه پس از مرگش باقى مى‏ماند توشه دوزخ او خواهد بود. (ان شاالله ادامه دارد...)

**سخن دل:**

قصه امشب آب است و تشنگی و تکان های گهواره بی صاحب، قصه فذبحوه من اذن الی اذن است. قصه مردی است که چیزی زیر عبایش دارد و متحیر مانده در میان خیمه ها، قصه گفتن"برمن منت نهید" امامی است بر جماعتی ذلیل. قصه آروزهای دختری است برای باریدن... اما نه بارش تیر، آن هم تیری سه شعبه، علی جان سوالی دارد می‌کشد مرا. مگر در مقاتل نیامده که مولا قبری برایتان در پشت خیمه ها کند... پس چرا می گویند مزارت بر سینه حسین است؟؟؟ راستی علی جان به مادرت رباب بگو ابالفضل تمام تلاشش را برای آوردن آب کرد، حلالش کند**.**